



دوهفته‌نامه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا؛ سال چهارم، شماره بیست و چهارم، دی‌ماه ۹۹
ما در شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و سروش) : @KAFA_FUMS (روی نام رسانه کلیک یا لمس کنید) / شماره تماس: ۰۹۳۷۹۲۳۵۶۱۶

نقش دانشگاه در امر فرهنگ خوش استعداد های کج سلیقه

نسبت دانشگاه و فرهنگ در اندیشه امام و رهبری صص ۱۰-۱۱ / تحلیلی بر اشتباهات اصحاب موسیقی ص ۷



تصویر ویرایش شده از
شلیک موشک قادر در
رزمایش ذوالفقار ۹۹
میثم علاقمندان / ایرنا

نگاهی بر حملات تروریستی سال های اخیر و پاسخ جمهوری اسلامی به آن ها؛ صفحات ۴ و ۵

انتقام های گذشته؛ انتقام های پیش رو

بازگشت به عقب!

برداشتی آزاد از اندیشه شهید مطهری و مرحوم
شهیدی در مورد علل واقعه عاشورا ص ۹

دسترسی به کلید

سوالات حق دانشجویان!

پاسخ های مسئولین به پرسش های دانشجویان ص ۸

نفوذ تا چه حد؟!

لزوم آسیب شناسی ساختارهای امنیتی
برای محافظت از دانشمندان ص ۲

به هم راه:

اشعار و متون ادبی و طنز و ۲ یادداشت به مناسبت
سالگرد سردار سلیمانی و ... صفحات ۳، ۶ و ۱۲-۱۴

بهترین لحظات کادر درمان

گفتم دیدی آخر از دستمان خلاص شدی؟
این بار هم خندید اما...! ص ۶

سازپند، استیضاح و اشغال!

آن چیست که از تحقیر بین المللی
مهم تر است؟ ص ۲

یادداشت |

نفوذ تا چه حد؟

لزوم آسیب‌شناسی ساختارهای امنیتی برای محافظت از دانشمندان

| فاطمه سعیدی‌زاده، پزشکی ۹۶ |

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ...» احزاب ۲۳

باگذشت کم‌تر از یک سال از شهادت سردار شهید، قاسم سلیمانی، به دست تروریسم دولتی آمریکا این بار همزمان با ایام شهادت شهید مجید شهریاری، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان و استادان حوزه هسته‌ای و دفاعی کشور ترور می‌شود. شهید محسن فخری‌زاده، یکی از بلندهمت‌ترین انسان‌های گمنام صنعت هسته‌ای کشور، طی یک عملیات پیچیده و مسلحانه در نزدیکی پایتخت به فیض شهادت نائل آمد.

ترور اخیر از این منظر اهمیتی دوچندان می‌یابد که مقارن با حملات اسرائیل به نیروهای هوادار ایران در خاک سوریه و همچنین نزدیکی بی‌سابقه این رژیم به کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد.

یک سال پیش مغز متفکر و هید [فرمانده] منطقه‌ای- نظامی و اکنون هید هسته‌ای ما را مورد هدف قرار داده‌اند و در آینده معلوم نیست کجا را می‌زنند! گرین کارتی‌های مان که پاسپورت‌درجیب آماده فرارند ولی مردم عادی چه؟

یادداشت | ساسپند، استیضاح و اشغال!

آن چیست که از تحقیر بین‌المللی مهم تر است؟



| محمد راسخی، پزشکی ۹۶ | این روزها چشم‌مان به دیدن

اتفاقات عجیب عادت کرده است. درست است که همیشه عادت داشته؛ اما منظورم اتفاقات عجیب بین‌المللی است. بازهم درست است که چشم بین‌المللی‌مان هم کم اتفاق عجیب ندیده؛ اما منظورم آسیا و خاورمیانه و جهان سوم و «ما همیشه بدبخت‌ها» نیست. منظورم پنگه دنیاست؛ ایالات متحده آمریکا؛ همان «مهد دموکراسی» همان «جهان اول»،

همان «همیشه خوشبخت»! تسخیر کنگره آمریکا -توسط مردم یا معترضین یا آشوب‌گران!- شاید آغاز عجیب‌ترین اتفاقات سیاسی دهه‌های اخیر در آمریکا بود. اتفاقاتی چون ساسپندشدن اکانت رئیس‌جمهور ایالات متحده در شبکه‌های اجتماعی، استیضاح مجدد ترامپ -آن هم در یکی دو هفته مانده به پایان ریاست جمهوری- و اشغال واشنگتن‌دی‌سی توسط



پس این همه موشک که با سرمایه مردم ساخته شده برای چیست؟ مگر نه اینکه برای حفظ بازدارندگی کشور است؟

دانشمندان ایرانی -اسلامی ما سرمایه‌های اصلی و بی‌بدیل این انقلاب و کشورند. انتقام شاید مهم‌ترین واژه ناظر بر انتظار مردم از جمهوریت در پی این اقدام وقیحانه است. به طور قطع صبر راهبردی ما بیش از حد معقول می‌تواند خود به عنصری ضد امنیت ملی ما بدل شود. انتقام یک عمل است و ما از این انتقام‌های گرفته‌نشده کم نداریم. انتقام کدام دانشمند هسته‌ای ترور شده‌مان را گرفته‌ایم؟

شاید اگر در پی ترور شهید سلیمانی، پاسخی عمیق‌تر به عاملان و آمران آن اقدام داده شده بود، امروز شاهد جسارت دشمن در به شهادت رساندن این سرمایه بزرگ ملی آن هم در چند کیلومتری پایتخت نبودیم.

نیروهای نظامی آمریکا!

بعید به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیران وقایع اخیر- ساسپند، استیضاح و اشغال- به واکنش‌های منفی جامعه آمریکا و بین‌الملل فکر نکرده باشند. بعید است که مسخره شدن آمریکا و تضعیف چهره آن را پیش‌بینی نکرده باشند. بعید است مالکان توپیتر و فیس‌بوک نگران کاهش مخاطبان‌شان و نیز ارزش سهام‌شان نبوده‌اند! اما چرا چنین تصمیماتی گرفته می‌شود؟

چیزی که از مسخره‌شدن آمریکا یا از تضعیف چهره جهانی آمریکا مهم‌تر است، حفظ نظام سیاسی و امنیت ملی آمریکاست. اینجاست که خطرقرمزهای جدیدی شکل می‌گیرد.

توپیتر و فیس‌بوک هیچ‌گاه برای تظاهرات یا اغتشاشات در سایر کشورها نگران نمی‌شوند. چه بسا که گاه عمداً در آتش آشوب بدمند؛ چراکه آشوب در آن کشور مساوی است با افزایش اقتدار آمریکا.

اما امنیت ملی، همه دلیل اوضاع فعلی آمریکا نیست. بخش دیگری از وضعیت فعلی به دلیل حفظ قدرت سیاسی احزاب است. حزب جمهوری خواه ولو از ترامپ خوش نیاید نمی‌تواند جلوی او بایستد؛ چون برای حفظ قدرت به وی نیاز دارد! این ماجرا روی دیگری هم دارد و آن، رکوردهای اعجاب‌انگیز آمریکا در تلفات روزانه کروناست. بدیهی است اگر تمرکز احزاب آمریکا خصوصاً حزب جمهوری خواه به جای گرفتن قدرت بر کنترل اپیدمی بود، وضعیت چنین بغرنج نمی‌شد!

اخلاق حکم می‌کند که اوضاع این روزهای آمریکا دیدنی نباشد؛ اما چه کنیم که می‌باشد!

یادداشت |

یروُنْهُوا بعیداً
وَنَراهُ قریباً

تحلیلی پیرامون چرایی عدم ترور حاج قاسم در سال‌های قبل از ۹۸

| علیرضا رضایی، پزشکی ۹۸ | سالگرد شهادت حاج قاسم... تسلیت به مستضعفین جهان، از سوت‌وکورترین کوچه‌پس‌کوچه‌های شهرهای ایران تا مردم ستم‌دیده عراق و سوریه و یمن و ... تا قلب هند و آفریقا و ...

به قول بزرگواری اتفاقی که در فروگاه بغداد افتاد، «حادثه» تروریستی نبود! حادثه یعنی اتفاقی که از قبل پیش‌بینی نشده باشد، مثل زلزله... اگر کمی به اتفاقات حدود یک دهه اخیر نگاهی «کلی» هم داشته باشیم، به طور واضحی در معرض خطر بودن حاج قاسم را می‌بینیم! اما یک سؤال مهم مطرح است؛ چرا زمانی مثل سال ۲۰۰۸ که سیا و موساد، عماد مغنیه را ترور کردند، حاج قاسم را ترور نکردند؟ مگر ایشان تا آخرین لحظه‌ها با عماد مغنیه نبوده؟ باز هم با یک نگاه کلی می‌شود متوجه شد که ترور حاج قاسم هزینه زیادی برای تروریست‌ها داشته! پس زمانی باید حاج قاسم را ترور نمود که هزینه‌های چندانی وجود ندارد؛ چطور این اطمینان حاصل بشود که این اتفاق، هزینه چندانی مثل قطع شدن مذاکرات یا انتقام کاملاً متقابل ندارد؟

چه زمانی هزینه کم می‌شود؟ وقتی که بعد از خارج شدن آمریکا از برجام، دوباره مجدداً پای میز مذاکره می‌نشینیم! تعبیر جالبی از برجام شنیدم که می‌گفت برجام، گوساله سامری پر از سیلی و تلفات بود؛ گوساله سامری که پرچم مقاومت روح‌الله را پایین آورد و پرچم وادادگی را برافراشته کرد. خیلی فرق است بین مذاکره‌ای که در آن، میز مذاکره

ابزار مبارزه و گرفتن حق است و مذاکره‌ای که میز مذاکره آن، ابزار وادادگی به دو تا امضاست...

چه زمانی هزینه کم می‌شود؟ وقتی که برای اروپا گام‌های خروج از برجام تعریف می‌کنیم؛ اروپایی که اقتصادی گرہ‌خورده به آمریکا دارد!

با این تفاسیر، آمریکا اگر حرکتی به جز این یا در سطح این اتفاق رقم نمی‌زد جای تعجب داشت. قصه آنجا جالب‌تر می‌شود که ترامپ با سینه‌ای ستبر مسئولیت این کار را به عهده می‌گیرد و ما را تا برنامه‌های بعدی مثل ترور شهید فخری‌زاده به خویشستن داری دعوت میکند!

وقتی حتی بعد از ترور حاج قاسم به همان سیاست قبلی ادامه دادیم مثل روز روشن بود که این اتفاق آخرین حرکت سیا و موساد نیست و حرکات بعدی هم در راه است!

به هر حال مهم‌ترین نکته ماجرا، جهت‌دار شدن خون حاج قاسم است؛ جهتی که مستقیماً قلب آمریکا و رئیس‌جمهور آن را نشانه می‌گیرد و مکتب حاج قاسم را به جهان معرفی می‌کند؛ مکتبی که مرزهای پوچ و بی‌خود و بی‌جهت چپ و راست و اصلاح‌طلب و اصولگرا را به هم ریخت و فقط یک مرز باقی گذاشت؛ مرزی که بین مقاومت‌طلب‌ها و واداده‌ها کشیده می‌شود.

ما همچنان منتظر آن آسانی و راحتی پس از این سختی‌ها هستیم؛ و این را هم می‌دانیم که در ره منزل لیلی، خطرها باقی‌ست...

ادکنوشته | سدی مقابل شیطان

قاسم‌ها شیرین‌تر از عسل شد...

خوشا به سعادت ای سردار دل‌ها که نامت تا ابد مانا و یادت، خاطره دوران‌ها خواهد شد.

اما دشمنان اسلام بدانند و هرگز فراموش نکنند که خط خون بی هیچ شک و تردیدی نقطه پایان این راه نخواهد بود.

ای دشمنان اسلام! همه از این بهراسید که تازه اول بسم الله است.

بسم الله القاصم الجبارین...

و آگاه باشید که این علم بر زمین نخواهد ماند ...

گرگ‌ها باید خوب بدانند: گر پدر مرد، تفنگ پدری هست هنوز...

والسلام.



انتقام‌های گذشته؛ انتقام‌های پیش‌رو

نگاهی بر حملات تروریستی سال‌های اخیر
و پاسخ جمهوری اسلامی به آن‌ها

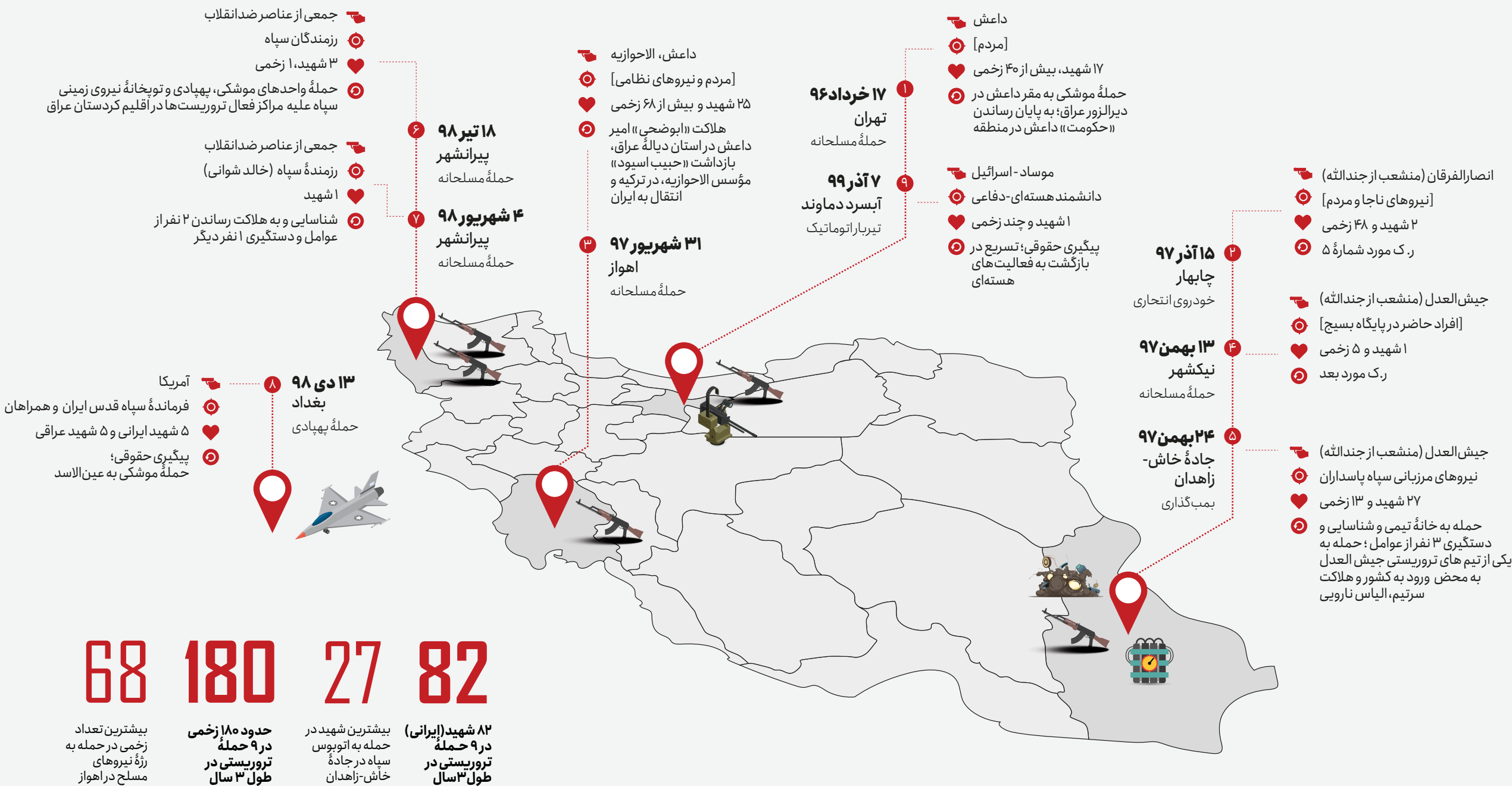
محمد راسخی، پژوهشگر ۹۶ | سال‌های اخیر، تروریست‌ها زخم‌های متعددی بر پیکرهٔ مردم ایران وارد کرده‌اند. از حملهٔ داعش به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی بگیریم تا ترور رسمی (!) سردار سلیمانی و همراهان ایشان توسط دولت آمریکا؛ و همین ماه گذشته، ترور مجدد یک دانشمند هسته‌ای پس از حدود یک دهه وقفه!

اما چیزی که پس از این زخم‌ها مهم است، گرفتن انتقام خون شهداست. جمهوری اسلامی نشان داده که هیچ‌گاه از حفظ امنیت و نیز اقتدارش کوتاه نیامده. چه زمانی که یک گروهک تروریستی حقیر باشد و چه زمانی که یک دولت رسمی باشد. فرقی هم ندارد ترور باشد یا حضور یک پهباد برای جاسوسی.

گرچه جمهوری اسلامی از پاسخ‌های سخت نمی‌هراسد؛ اما جانب احتیاط را هم رعایت می‌کند.

ترور شهید فخری زاده را در نظر بگیرید. درست زمانی که معیشت مردم تحت تأثیر اقتصاد فلج نفتی و نیز تحریم های بی سابقه، در تنگنا قرار گرفته و در کنار آن آوازه جنگ از سوی رئیس جمهور شکست خورده آمریکا به گوش می رسد، جمهوری اسلامی تصمیم گرفت انتقام اصلی خود را به تأخیر بیندازد. گرچه این تأخیر هزینه هایی دارد؛ اما در چنین شرایط اقتصادی شاید امری ناگزیر به نظر برسد.

در هر روی، جمهوری اسلامی - همانطور که وعده داده - باید انتقام بگیرد؛ نه در شعار، که در عمل. نه آرام و تدریجی که ناگهانی! البته



دانشگاه

بهترین لحظات کادر درمان

گفتم دیدی آخر از دستان خلاص شدی؟
این بار هم خندید اما...

| **زهرافتوحی آزاد، اتاق عمل ۹۷** | ما اتاق عملیا، پرستار نیستیم! اما چند واحد مهارت بالینی در قالب پرستاری پاس می‌کنیم!

روز اولی که رفتیم کارآموزی و از نزدیک با جَو بیمارستان آشنا شدیم، ترم ۲ بود! اون روز رو خوب یادمه. اولین بخشی که روتیشن ما باید می‌رفت، داخلی جراحی بود 🤔

روزی اول تنها کاری که باید انجام میدادیم گرفتن TPR [اندازه‌گیری دما، نبض، تنفس] بود؛ اولین مریضی که من باید TPR ش رو می‌گرفتم، خوب یادمه! یه آقای ۶۰ساله بود که بخاطر دیابت بستری شده بود و قرار بود انگشت شست پای چپش قطع بشه 🙄

وارد اتاق که شدم بلند گفتم: «سلام پدرجان!»

آقای ۶۰ ساله با لبخند مصنوعی که روی لبش بود و معلوم بود حال و حوصله منو نداره گفت: «سلام!»

بهش گفتم «اجازه می‌دین فشارتو بگیرم؟»

آقاهه گفت: «کدوم دستم راحت‌تری؟ آخه این دانشگاه‌ها می‌کنن این دست نبض نداره اون دستتو بده!».

یادداشت

مؤثر بودن تکی نمی‌شود!

| **مسئله‌نگر** | وقتی تنها موعظه خدا برای کل بشر قیام است، یعنی تا بشر هست مبارزه پایان نخواهد یافت.

پلان اول

مختار: می‌خواهم فرماندهی سپاه را خودم را برعهده بگیرم.

کیان: این کار را نکن امیر.

مختار: چرا؟

کیان: چون وقتی شما وارد عرصه نبرد می‌شوید دشمن می‌فهمد که ما برای مقابله با او با تمام قوا به میدان آمده‌ایم و این روحیه آنها را بالا می‌برد.

پلان دوم

در جنگ صفین عمار به شهادت رسید. علی (ع) تنها در میان لشکریان قدم می‌زند و اشک می‌ریزد و ندا می‌دهد: «این عمار؟ این عمار؟» (عمار کجاست تا روشنگری کند و تنهایی علی را در بین این همه حيله و نیرنگ معاویه و عمروعاص از بین ببرد...)

دستاشو چک کردم؛ حق داشتن دانشگاهها! یه دستش از بس تزریقات گرفته بود کیودی داشت و نبضش زیر دستم به سختی حس میشد! پس اون یکی دستشو گرفتم. فشارشو گرفتم، تعداد تنفسش رو نوشتم، تعداد ضربان نبضش رو هم یادداشت کردم.

وقتی کارم تموم شد، بهش گفتم: «پدرجان چندروزه اینجا بستری هستی؟»

گفت: «هعی! ۳۰ روز شاید ۴۰ روز...»

گفتم: «انگشت پاتون از اول...؟» حرفمو قطع کرد...

با لحن عصبانی گفت: «نه! من سالم اومدم شماها این بلارو سرم آوردین!»

گفتم: «پدر جان، ما مگه دلمون میاد این کارو با شما انجام بدیم؟ شما هم مثل پدربزرگ مایی.»

انگار یکم از عصبانیتش کم شد؛ فوری گفت: «ببخشید منظوری نداشتم ولی دیگه خسته شدم! هرروز نوک انگشتمو سوراخ می‌کنن هرروز دارو، دوا، غذای درست نمی‌تونم بخورم... انگاری دلش پر بود!



خیلی ناراحت شدم. 😞 توقع نداشتم اولین مریضی که می‌بینم اینقدر درمونده باشه! ولی بیمارستان همین بود دیگه....

بهش گفتم «پدرجان ایشالا بلا دوره. ایشالا زودتر خوب می‌شین.» خداحافظی کردم و اومدم بیرون.

اون مریض چند روز بعد، بدون انگشت، با حال فیزیکی نسبتاً خوب مرخص شد. روز آخری که داشت می‌رفت بهش گفتم: «پدرجان دیدی بالآخره از دست ما راحت شدی! 🙌🥳»

خندید! انگاری حالش خوب بود! خنده‌اش مصنوعی نبود! گفت: «اگه تو این مدت ادیتون کردم منو ببخشید. عاجز شده بودم، حلالم کنید!»

هیچ وقت حس اون جملاتی که اون بیمار بهم گفت رو فراموش نمی‌کنم! اینکه چقددررر خوشحال بودم داره مرخص می‌شه و میره خونه! اپنا رو گفتم، که یادآوری کنم **هر شخصی تو هر جایگاهی، پزشک، پرستار، هوشبر، تکنولوژیست جراحی، بچه‌های اورژانس، حتی خدمات، همه و همه، بهترین حس رو موقع مرخص شدن مریضا از بیمارستان می‌گیرن؛ پس لطفا این روزا هواسونو داشته باشید!** 🥰



مرد و نامرد شناخته می‌شود. زمان علی (ع) هم مردم حافظه ضعیفی داشتند. علی(ع) را پای میز مذاکره با پسر هند جگرخوار کشانند و بردش را باخت کردند.

پلان چهارم

شهید بیضایی: «ما شیعه آفریده شده‌ایم که مؤثر در ظهور مولا باشیم»

مؤثر بودن «تکی» نمی‌شود؛ یک سرباز اگر تنها بزند به خط، ابوذررائیل هم اگر باشد تلف می‌شود.

هر وقت کنار امام‌زمان‌مان صف کشیدیم به مرحله نقش آفرینی برای ظهور ایشان می‌رسیم.

اخوی! جبهه مقاومت از هر سوت تحت وسیع‌ترین تهاجم‌هاست، گرچه با اقتدار جلو می‌رود اما کار روی‌زمین‌مانده هم خیلی داریم. الان زمان جنبیدن ماست وگرنه فرض کن ظهور شده و عده‌ای عزیز دل مهدی فاطمه (عج) شدند ولی ما فقط غصه می‌خوریم که چرا ما کاری نکردیم... 🙄

| احمدرضا علی‌بابایی، پرستاری ۹۶ |

-: آدم چچوری گاو میشه؟

+ : به مرور...

این دیالوگ مدتیست که در سرم مرور می‌شود.

دقیقا از زمانی که هنرمندانمان به جای هنر وارد ورطه جلب توجه شدند و خواستند بیشتر شبیه به شاخ‌های مجازی باشند تا هنرمندان فاخر؛ از هنرمندان بزرگی چون سینا سرلک گرفته تا تازه‌کارهایی همچون مهرداد جم.

امروز حاشیه‌های خروج مهرداد جم را می‌شنویم و فردا می‌بینیم که خواننده و بازیگر دیروز و اسطوره امروز پاپ جناب آقای شادمهر عقیلی، سایت شرط‌بندی و قمار را تبلیغ می‌کند.

نمی‌دانم خبر بعدی چیست اما این را خوب می‌دانم که کاملا بی‌خود و بی‌جهت عده‌ای را سلبریتی نامیده‌ایم و اسطوره‌سازی کرده‌ایم و فکر می‌کنیم که همه‌چیز را می‌دانند و بهتر از این‌ها پیدا نمی‌شود.

ولی از این مسئله غافلیم که هر هنرمندی، مخاطبی

دارد و یک طرفی داستان، مخاطبی است که عقل دارد، حق انتخاب دارد و حتی می‌تواند بهتر و بزرگتر از هنرمند محبوبش باشد. مخاطبی که می‌تواند به جای بت ساختن از هنرمند محبوبش، او را در چنین مواردی طرد کرده و برای هنرمندی که برای مخاطب ارزشی قائل نیست، ارزشی قائل نباشد؛ این هنرمند می‌تواند مهرداد جم باشد یا محسن یگانه!

شاید با شنیدن نام محسن یگانه تعجب کرده باشید اما به احتمال زیاد آخرین باری که کار جدیدی از او شنیدیم را هیچ کداممان به خاطر نیاوریم؛ این کم کاری به عنوان یک خواننده مثل این است که پزشکی در مطب خود چندین ماه بنشیند اما هیچ بیماری را نبیند و مداوا نکند، این یعنی خواننده برای مخاطب خود ارزشی قائل نیست.

از طرفی مخاطب هم می‌تواند به مرور تبدیل به یک مخاطب بد شود. دقیقا زمانی که کج‌سلیقگی جای خود را در میان مخاطب وا کند و بدتر آنکه همین کج‌سلیقگی‌ها، یک ویژگی خوب تلقی شود!

اگر کمی دقت کنید، گوشمان پر است از کلماتی مثل



دلبری، چال گونه، موی مشکی، موی لخت، چشم آبی و ...

تقریباً ۹۰ درصد آثار جدید موسیقی پر از این کلمات است و از طرفی ریتم‌های تکراری که روی این کلمات تکراری سوار است به بدتر شدن اوضاع دامن می‌زند.

این ریتم‌ها و این کلمات برای موسیقی ما لازم است اما اینکه تمام موسیقی ما را تشکیل دهد و اکثریت مخاطب را به سمت خودش جلب کند نشان می‌دهد که موسیقی ما مخاطب را کج سلیقه و تک بعدی کرده است.

خلاصه اینکه موسیقی ما به جهتی رفته که مخاطب را کج‌سلیقه کرده و این مخاطب باعث شده که استعداد های بزرگ بخاطر پایین بودن سقف خواسته مخاطب به اندازه استعدادشان کار نمی‌کنند و حتی با سلیقه مخاطب کاملاً همراه می‌شوند که از طرفی همین کم کاری‌ها و همین حاشیه‌سازی‌ها به کج‌سلیقه‌تر کردن مخاطب دامن می‌زند. و در نهایت چیزی از موسیقی ناب و بی‌عیب و نقص ایرانی باقی نمی‌ماند؛ البته به مرور...

اینفوگرافی | از اقدام عجیب سرلک تا کم کاری یگانه!

محسن یگانه

محسن یگانه از سال ۸۴ تا ۹۴، حدود ۸ آلبوم رسمی و غیر رسمی منتشر کرده است. معمولاً فواصل بین آلبوم‌های رسمی حدود دو سال بوده. وی از سال ۹۴ تاکنون هیچ آلبومی منتشر نکرده. در زمینه تک‌آهنگ، او در دو سال گذشته فقط دو تک‌آهنگ، یکی در فروردین ۹۸ و دیگری در فروردین ۹۹ منتشر نموده.

سینا سرلک

او که از خوانندگان قدیمی و قوی جامعه موسیقی ایران است در اقدامی عجیب و مایه شگفتی با مهرداد جم، آهنگی مشترک منتشر کرد!

مهرداد جم

خواننده‌ای که عمر فعالیت موسیقی وی به یک‌سال هم نمی‌رسد اما طرفداران زیادی را جذب کرده است. وی چند مدت پیش جذب شبکه وسیع قمارکود خارج از کشور شد و به ترکیه مهاجرت نمود.



ا گزارش | دکتر خالقی با تاکید بر پیگیری برخی از انتقادات دانشجویان:

دسترسی به کلید سؤالات حق دانشجوست!

گزارشی از نشست آذرماه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل



[حسن علی جרגه‌ای‌نالو، زهرا رضایی؛ اتاق عمل ۹۷] سه‌شنبه، ۱۸ آذرماه ۹۹، پس از یک روز تأخیر، بالاخره نشست پرسش و پاسخ با مسئولین دانشگاه به همت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل برگزار شد. به دلیل شرایط کرونا، برخلاف سال قبل، این نشست با حضور حداقلی جمعیت و به صورت لایو در صفحهٔ اینستاگرامی انجمن پخش گردید. در قسمت ذیل، مطالبات و پاسخ‌های مسئولین به آن‌ها را به صورت خلاصه می‌خوانیم. قابل ذکر است برخی از جملات خلاصه شده و برخی نیز مفهوم کلی آن بیان شده است.

سؤالات وجود ندارد.

دکتر گودرزی: زمان امتحان‌ها برای هر سؤال در کل ایران ۳۵ تا ۷۰ ثانیه است و ما هم خارج از دستورالعمل نبوده‌ایم.

اساتید نسبت به آزمون هیچ گونه پاسخگویی ندارند. نه راجع به رفع اشکالات و ابهامات آزمون و نه راجع به کلید آزمون! علت این مساله چیست؟

دکتر خالقی: نقدتان وارد است، باید نقطه‌ضعف‌ها را دانست و برای رفع آنها کوشید. دانستن حق شمامست. گذاشتن کلید سؤالات و تحلیل آنها قدمی رو به جلو است.

اعلام حجم‌های غیرطبیعی برای امتحانات، باعث می‌شود دانشجوین صرفاً به حفظ کردن مباحث و حتی تقلب روی بیاورند.

دکتر خالقی: این حجم تعریف‌شده، حداقل حجمی است که برای یک پزشک و کارشناس لازم می‌باشد. شما از کم دانستن بهره‌ای نخواهید برد؛ بلکه با بیشتر دانستن دست بالا را خواهید داشت. به حجم بیشتر دروس به عنوان فرصت نگاه کنید نه تهدید. قرار است وارد بازار کار بشوید و هرچه بیشتر بدانید خواهان بیشتری خواهید داشت. و اگر هم بخواید درمقاطع عالی تحصیل کنید مانند دکتری، ارشد، تخصص و ... این اتفاق با بیشتر دانستن شما رقم خواهد خورد.

در ترم گذشته، به چه علتی ادارهٔ آموزش درحالی‌که ترم جدید شروع شده، نمرات ترم گذشته را ثبت نهایی نکرده بود؟

دکتر گودرزی: پیگیری خواهد شد و پاسخ خواهیم داد.

با جمع‌بندی مسائلی که صحبت شد؛ آیا قرار است همه‌چیز همین‌گونه پیش برود که هست؟ یا واقعا تصمیم برای بهبود عملکرد آموزشی وجود دارد؟

دکتر گودرزی: در پی ارتقا و بهبود شرایط هستیم و تمامی پیشنهادها و انتقادهای بررسی می‌شود. همچنین درحال ساخت سالن مجازی با حمایت‌های ریاست دانشگاه و دیگر اعضای هیئت علمی و ... هستیم که تقریباً ۱۵۰ نفر گنجایش دارد. البته تا حصول نتیجه زمان خواهد برد اما به جد پیگیریم.



رفت‌وآمد دانشجویان از محل سکونت به فسا و بالعکس چگونه است؟ شنیده‌ایم مشکلاتی برای برخی دانشجویان ایجاد شده.

دکتر نقدی: تفاوتی بین اساتید بالین و دانشجویان وجود ندارد و سعی کردیم کارت‌ترددهایی برای سهولت تردد صادر کنیم. البته گاه اتفاق افتاد که بعضی‌ها جریمه شدند و دراین‌باره شرمندهایم و دنبال راه‌کارهای جبرانی هستیم و امیدواریم برگه‌ها هرچه زودتر به دست‌شان برسد.

پروژهٔ مقبرهٔ شهدای گمنام چه زمانی به افتتاح می‌رسد؟ تا آنجا که می‌دانیم قرار بود خیلی زودتر تکمیل شود.

دکتر نقدی: منابع مالی مشخصی برای ساخت این مقبره وجود نداشت. علی‌رغم اینکه ما امیدوار بودیم از سازمان‌های مرتبط کمک‌هایی دریافت کنیم اما اتفاق نیفتاد؛ لذا با درآمد‌های خود دانشگاه پروژه ساخت آغاز شد. اوایل سرعت خوبی هم داشت که به شرایط کرونا برخورد کردیم. بخش نهایی آن درحال انجام است و تمایل داریم هرچه سریعتر به اتمام برسد.

دانشجوهای پزشکی ۹۵ چندین ماه از طریق مسئولین برای تأمین اقلام حفاظتی مثل ماسک N۹۵، شیلد و غیره پیگیری کرده‌اند اما این تجهیزات به آن‌ها تعلق نگرفته؛ علت این موضوع چیست؟

دکتر گودرزی: ممکن است ۱۰ ماه پیش که اوایل کار بود و همهٔ افراد دچار مقداری سردرگمی بودند چنین مشکلاتی بوده؛ اما الان همه چیز بصورت تعریف‌شده است و دانشجویها براساس تعداد شیفت و زمان، اقلام حفاظتی شخصی دریافت میکنند. بعدی می‌دانم اکنون، آن مشکلات سابق وجود داشته باشد و تا آنجایی که من اطلاع دارم ممکن است استثنائاً یک مورد خاصی بوده. مطمئن باشید برای ما حفظ جان دانشجویان عزیز -چه پزشکی چه غیر پزشکی- در اولویت بالاتری است نسبت به پرسنل و اساتید. تا همین اواخر، دانشجویان پزشکی در بسیاری از بخش‌های پرخطر حضور نداشتند. دانشجویان غیرپزشکی هم به همین صورت تا آنجا که ممکن بوده تعویق انداخته‌ایم و در بخش‌ها حضور ندارند.



یادداشت |

بازگشت به عقب!

برداشتی آزاد از اندیشهٔ شهید مرتضی مطهری و مرحوم سید جعفر شهیدی در مورد علل واقعۀ عاشورا قسمت سوم: ادامهٔ «پس از پنجاه سال»

قسمت اول این نوشته در ص ۸ ش ۲۲ کاری‌نو (لمس یا کلیک کنید)

قسمت دوم این نوشته در صص ۴-۵ ش ۲۳ کاری‌نو (لمس یا کلیک کنید)



طرح از حسن روح‌الامین



خرید از فیدیبو

[محمد راسخی، پزشکی ۹۶] در قسمت اول یادداشت با بررسی بخش کوتاهی از کتاب حماسهٔ حسینی، به طور خلاصه دیدگاه شهید مطهری را پیرامون علل قیام امام حسین (ع) توضیح دادیم. در قسمت دوم، با استفاده از کتاب پس از پنجاه سال، اثر مرحوم سید جعفر شهیدی، به علل سقوط جامعهٔ اسلامی از منظری جامعه‌شناسانه پرداختیم؛ این‌که چه چیزی باعث شد پنجاه سال پس از فوت پیامبر(ص)، عده‌ای مسلمان و به‌ظاهر پیرو پیغمبر، نوهٔ ایشان را اینچنین وحشیانه شهید نمایند. این قسمت (قسمت سوم) ادامهٔ قسمت دوم و نیز بخش پایانی این یادداشت می‌باشد.

نمود: جامعهٔ مسلمانان در سال ۶۱ هجری و پیش از وقوع حادثهٔ کربلا با ۵۰ سال پیش یعنی زمان فوت پیامبر تفاوت‌های بسیاری کرده بود؛ همانطور که گفته شد شاید رغبت به مال‌اندوزی و خو گرفتن به دنیا مهمترین «تغییر» و «بازگشت به عقب» در این دوران بوده است. خو گرفتن به دنیااست که باعث می‌شود مردمی که خود امام حسین را دعوت کرده‌اند با تهدید و تطمیع از نظر خود برگردند و روبه‌روی ایشان قرار گیرند! عوامل مهم دیگر، عدم ایمانی عمیق و قوی و نیز نداشتن بصیرت حداقلی است! در نتیجهٔ این عامل، اینان نتوانستند شرایط را درست تحلیل کنند و لذا خصوصاً در برهه‌های حساس تصمیمات اشتباهی را گرفتند.

به عوامل فوق، وجود حاکمان ستمگر و فریبکار را اضافه کنید؛ که البته این خود هم معلول عوامل بسیاری است از جمله عوامل ذکر شده در بالا و هم علت سقوط مضاعف جامعهٔ اسلامی است.

(چ تذکر

در این نوشتار سعی شده آشنایی کلی با کتاب پس از پنجاه سال صورت گیرد و نیز برای کسانی که در حال حاضر وقت مطالعه کتاب را ندادند فهم ابتدایی از کتاب حاصل شود تا در فرصت مناسب سودمندانه‌تر به مطالعه کتاب بپردازند. مسائل بسیاری است که بسیار جزیی و کلی به آن پرداخته

شد و مسائل بسیاری نیز اصلاً فرصت پرداخت نداشت، ضمن آن که حتی در مسائلی هم که در این یادداشت به آن پرداخته شده ممکن است در اثر فهم و بیان ناقص نگارنده یا سوءتفاهم خواننده، حقایق به درستی منتقل نشده باشد. لذا مجدداً درخواست میکنم خوانندگان حتماً به این اثر ارزشمند رجوع کنند. اثری که برای هر قشری با هر عقیده‌ای می‌تواند بسیار مفید واقع شود / پایان

* در زمان عمر با فتح ایران و مصر و روم، درآمد مسلمانان افزایش یافت. پیدا شدن این ثروت عظیم، سبب شد عمر با مشورت صحابه، دفتر مقرر۱ ایجاد نماید و نام همهٔ مسلمانان را در آن ثبت کند و با رعایت سبقت در اسلام یا نزدیکی به پیغمبر مقرر۲ها را تعیین کند. اینجا بود که برخی بزرگان -خصوصاً قریش- با همین درآمد به تجارت پرداختند و از این راه ثروتی سرشار اندوختند. عمر می‌ترسید این دسته به مال‌اندوزی عادت کنند و فاسد شوند و لذا تا آنجا که میتوانست نمی‌گذاشت به خرید خانه و مزرعه بپردازند. قریش در دوران پیشاسلام واسطهٔ تجارت آسیا و اروپا بود و درآمد بی‌حدوحصر آن دوره را به یاد داشتند. آنها می‌خواستند دوباره به آن دوران برگردند اما عمر سعی می‌کرد بزرگان این طایفه شغل‌های کلیدی را برعهده نگیرند. همهٔ این سیاست‌های سختگیرانه در زمان عثمان کم‌رنگ و حتی حذف شد.

(چ سخن پایانی

آنچه در پاراگراف‌های قبلی ذکر شد را میتوان اینگونه خلاصه

قاریان قرآن بودند و به قول مالک اشتر پیشانی آنان داغ سجده داشت؛ و ازسوی دیگر وقتی روی درروی ایستادند؛ کوفی، کوفی را می‌کشت و بصری، بصری را. در واقع کوفی و بصری هر کدام به دو دستهٔ علوی و عثمانی تقسیم شدند و عثمانیان هر دسته روبه‌روی علویان دستهٔ دیگر قرار گرفتند. تعصبات قبیله‌ای به شکل دیگر بالا گرفت. همین نبردها کافی بود که خاطره‌های روزگار جاهلی را از نو در دل مردمان جاهل زنده سازد.

اگر در زمان پیامبر مردم مفتخر به کشته دادن در جنگ‌ها بودند، در زمان علی به سبب پایین بودن بصیرت‌شان، امام وقت را به کشتن خودی‌ها متهم می‌کردند. اندکاندک شوق جهاد اسلامی از سرشان بیرون رفت؛ چون قبلاً در راه کشتن بیگانه می‌جنگیدند و اکنون در راه کشتن هم‌شهری‌هایشان! وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که علی در اواخر حیات پیرپرگتش نتوانست مردم را مجاب کند که روبه‌روی معاویه بایستند؛ چنانکه امام حسن نیز ناچار به صلح با معاویه شد. جنگ‌های این دوران، دیگر رنگ دینی به خود نداشتند و رنگ قبیله‌ای به خود گرفته بودند.

(توضیح خلاصه: جنگ‌های داخلی حرمت مسلمان‌کشی را شکست؛ قبیله‌گرایی را به شکلی نوین زنده کرد و تمایل به شرکت در جهاد اسلامی را از میان برد.)

(ج دورهٔ معاویه و یزید:

در دوران بعد از پیامبر چه شیعه چه سنی وراثت را عامل زمامداری مسلمین ندانسته‌اند. شیعه از ۱۲ نفر از اهل بیت پیامبر را امام می‌دانند به دلیل وراثت که به دلیل شایستگی ایشان است. چهار خلیفهٔ اهل سنت هم هیچگاه به واسطهٔ وراثت انتخاب نشده بودند. تا دوران حکومت معاویه نظر مردم یا به صورت مستقیم یا به واسطهٔ نمایندگان‌شان در حاکمیت اثر داشت. حق انتخاب برای مسلمین جایز شمرده می‌شد؛ آنچنان که اگر خلیفه مصالح عمومی مردم را رعایت نمی‌کرد، می‌توانستند بیعت خود را به هم بزنند.

اما در جنگ صفین نخستین بدعت صورت گرفت. معاویه با «وکالت» حيله‌آمیز عمروعاص به خلافت شام رسید. پس از به شهادت رساندن امام علی و در زمان امام حسن هم، با پراکنده نمودن اطرافیان امام و «انعقاد قرارداد صلح» توانست خلافت تمام سرزمین‌های حکومت را به دست گیرد. اما ماجرا به این جا ختم نشد و او برای حکومت بعد از خود، رسم جاهلی دیگری را زنده نمود؛ خلافت موروثی. تلاش معاویه نتیجه داد و یزید -که برخلاف پدرش آشکارا احکام فقهی را نقض می‌کرد- خلیفهٔ مسلمین شد.

(ت دورهٔ عثمان همانطور که گفته شد ابوبکر و معاویه منش حضرت محمد را در توزیع عادلانهٔ ثروت ادامه دادند؛ اما سیاست مالی عثمان، قریش و بقیهٔ فرصت‌طلبان را بر دست‌اندازی به بیت‌المال گستاخ‌تر کرد. او بر مقرر۲ها افزود؛ مخصوصاً آنان را که عمر برایشان سخت می‌گرفت* [به‌پاورقی رجوع کنید]، عثمان برای نخستین بار مردم شهرها را نزد خود طلبید و به آنان جایزه بخشید. چنین کاری تا عصر او سابقه نداشت. این بخشش‌ها تا آنجاست که گفته می‌شود به شخصی چون زبیر بن عوام ۶۰۰ هزار درهم بخشید. ثروت و غنایم سرریز شده به سرزمین‌های مسلمان بیشتر به سمت حاکمان و نزدیکان‌شان رفت. علاوه بر این که اختلاف طبقاتی عمیقاً وسعت یافت؛ سنت جاهلی مال‌اندوزی که در زمان پیامبر و ابوبکر و عمر از بین رفته بود دوباره زنده شد. و البته که وقتی قبیله‌ای مثل قریش تصمیم به ثروت‌اندوزی می‌گیرد قرار نیست که دیگر قبیله‌ها صرفاً تماشاگر این روند باشند. اینجاست که به تدریج بی‌عدالتی‌های کوچک وسعت می‌یابد و ناگهان تمام جامعه را در بر می‌گیرد! می‌توان گفت مهمترین عامل در سقوط جامعهٔ اسلامی در طول پنجاه سال پس از فوت پیغمبر همین تمایل مال‌اندوزی و خو گرفتن به دنیااست.

(ث دورهٔ علی و حسن (ع)

آغاز دوران امام علی، شروع دورانی متفاوت بود. علی (ع) تلاش کرد جلوی سنت‌های جاهلی پاکرفته بایستد. دشمنی‌ها آغاز شد و برای اولین بار از آغاز اسلام، جنگ‌هایی شروع شد که هر دو طرف مسلمان بودند.

جنگ جمل، اولین جنگی بود که مسلمانان را روبه‌روی هم قرار داد. برای ما که امروز این حوادث را بررسی می‌کنیم کاری ساده است که بدانیم سرکوبی طغیان‌گران داخلی نیز مانند جهاد با دشمنان خارجی واجب است؛ چرا که که هر دو موجودیت حوزهٔ اسلامی را به خطر می‌اندازند؛ اما مردم آن عصر یا بیشتر آنان از درک چنین واقعیتی عاجز بودند. تنها چیزی را که پس از جنگ جمل دانستند این بود که این جنگ از نوع جنگ‌های قبلی نیست و این شک در دلشان پدید آمد که «اگر اینها مسلمان بودند چرا آنها را کشتیم؟» و شاید برای نخستین بار در ذهن آنان گذشت که با مسلمان هم می‌توان جنگید و او را کشت و لذا حرمت مسلمان‌کشی در دیدهٔ ایشان کم شد.

با این همه در جنگ جمل همین که بصره (مضری) شکست خورد، مردم کوفه (یمانی) شاد شدند [به یادداشت شماره ۲۳ کاری‌نو رجوع کنید] و این پیروزی آنان را آمادهٔ شرکت در نبرد صفین ساخت؛ اما در جنگ نه‌روان شرایط عجیب‌تری رخ داد. در این جنگ از یک سو جدانشدگان از امت، همهٔ زاهدان و

| اندیشه | **|** **احجت‌الاسلام والمسلمین مهدی یعقوبی، مسئول نهاد رهبری دانشگاه علوم پزشکی فسا |**

نقش دانشگاه در امر فرهنگ‌سازی

قسمت دوم و پایانی



قسمت اول این نوشته در صفحات ۸ و ۹ شمارهٔ ۲۳ کاری‌نو منتشر شده است (برای دانلود، لمس یا کلیک کنید)

| مقایسهٔ وضعیت دانشگاه پیش و پس از انقلاب

دانشگاه نقش بی‌بدیلی در فرهنگ‌سازی ملت‌ها دارد. مسئلهٔ فرهنگ‌سازی، با تکیه به بیگانگان محقق نمی‌شود. این امر در نگاه مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. ایشان دانشگاه مطلوب عصر پهلوی در دوران پیش از انقلاب را اینگونه معرفی می‌کند: «[دانشگاه مطلوب] دانشگاهی بود که نه تنها در علم، بلکه در فکر و فرهنگ و نیز در آرزوها و پسندها، وابسته و دست‌آموز و پیرو غرب باشد. تأثیرپذیری و تبعیت بی‌چون‌وچرا از فرضیه‌ها و نظریه‌های رایج در غرب، آن‌هم نه فقط در علم و فناوری، بلکه حتی در اخلاق و سیاست و هنر و رفتار و آداب زندگی، شاخصهٔ اصلی دانشگاهی بود که نظام وابسته و فاسد پهلوی می‌پسندید و آن را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کرد» در نتیجهٔ این امر، دانشگاه که باید پیش‌برندهٔ فرهنگ ایران به سوی اعتلا و سربلندی ملت ایران می شد، «جلودار حرکت ایران به سمت سلب هویت اسلامی و ملی خویش می‌شد.»^۲ در نقطهٔ مقابل این تفکر، **دانشگاه مطلوب در نظام اسلامی، دانشگاهی است که در «در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ قرار گیرد.»**^۳



بازدید رضاشاه از دانشگاه تهران

| الزامات اسلامی‌شدن دانشگاه

اهمیت علوم دانشگاهی و نقش آن در فرهنگ سازی

در اندیشهٔ بنیان‌گذار انقلاب، اساساً اسلام نه تنها جلوی رشد علمی و فکری بشر را نمی‌گیرد بلکه خود زمینه‌های این حرکت را آماده‌تر کرده و به این حرکت جهت انسانی و الهی می‌دهد. امام علیه السلام به عنوان شاهد بر این مسئله، تعجب مورخین از تکامل علمی و فرهنگی بشر بعد از ظهور اسلام را مطرح می‌کند.^۴ در نگاه امام علیه السلام استفاده از علوم و گرفتن تکنولوژی از دیگران مانعی ندارد، اما ایشان تأکید می‌کند که با توجه به تجربهٔ گذشته، انتقال تخصص غرب به ایران به قصد منحرف کردن ما بوده است. از این رو باید مراقب بود که اگر غرب علم و تخصص خود را در اختیار ما می‌گذارد به قصد و هدف انحراف ما نباشد.^۵

امام علیه السلام معتقد است اسلام در میان ادیان بیشترین تأکید و تمجید را از علم و تخصص کرده است. حتی سفارش اسلام به فراگیری علم، از هر جایی و هر کسی است. اما باید این دانش که در اختیار گرفته می شود، در خدمت اسلام و کشور باشد نه علیه کشور خودمان.^۶ رهبرکبیر انقلاب ضمن عدم مخالفت با گرفتن علم از غرب، تأکید می‌کند علوم خوب و مفید از غرب گرفته

شود؛ درحالی‌که غربی‌ها در انتقال علوم، اقدام به انتقال علوم بی‌فایده و غیرمفید به ما داشته‌اند. در نظر امام علیه السلام روحیهٔ استعمارگرانه و استکباری غربیان باعث شده که در انتقال علوم به ما نیز استعمارگرانه عمل کنند و جلوی پیشرفت ما را بگیرند. این رهبر بزرگ گوشزد می‌کند این انتقال علوم نیز باعث عدم ترقی ما نشود و باید تلاش اصلی ما بر پیشرفت و استقلال خودمان باشد.^۷

رسالت مسئولان دانشگاه و فرهنگ

در نظر امام علیه السلام آموزش به تنهایی نه تنها فایده‌ای ندارد؛ بلکه گاهی ممکن است سبب ضرر و زیان هم بشود. ایشان تصریح می‌کند صدمه‌ای که ایران از متفکرین و متجددین فرنگ‌رفته، خورده است، از هیچکس نخورده؛ چرا که آنها در کنار آموزش، به تهذیب و پرورش نپرداخته‌اند. یکی از راهکارهای ایشان برای توجه به امر پرورش در کنار آموزش، جلوگیری از ورود افراد و اساتید فاسد در دانشگاه و مدارس است.^۸ خطر عدم توجه به تربیت در دانشگاه به نظر امام مساوی با خیانت است. ایشان معتقد است دانشمندی که اینگونه تربیت شود، خطرش بیشتر از سایر مردم است.^۹

در نگاه امام علیه السلام در عصر پهلوی، سیاست کلی، نشر هر مطلب فاسد در مغز و فکر جوان‌ها بود و اختناق فکری و عملی جریان داشت اما پس از انقلاب این شرایط از بین رفته است. ایشان تصریح می‌کند در این شرایط جدید باید در کنار علوم مادی، علوم معنوی نیز تدریس شود. امور انسانی و تربیتی باید به دست کسانی باشد که بدانند اسلام و تربیت اسلامی چیست.

ایشان معتقد است در همهٔ عرصه‌های مربوط به امور انسانی و تربیت، نگاه اسلام عمیق‌تر از مکاتب دیگر است. لذا نمی‌توان امروز هم بدون اینکه کاری کنیم بنشینیم و کسانی که تربیت غربی دارند جوانان ما را تربیت غربی کنند.^{۱۰}

بر اساس اندیشهٔ امام خمینی علیه السلام رسالت دانشگاه در فرهنگ‌سازی را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

✱ آموزش باید موافق با نیاز مملکت باشد.^{۱۱}

✱ دانشگاه باید توسط افراد متعهد اداره شود.^{۱۲}

✱ توجه امام در عدم وابستگی دانشگاه به غرب و شرق پس از انقلاب جالب توجه است. ایشان برای اینکار صرفِ وقت و نظارت کامل را لازم می‌دانند.^{۱۳}

✱ دانشگاه را نسبت به شئونات و ابعاد قرآن بیدار کنید.^{۱۴}

اهمیت و جایگاه اساتید

اساتید اگر دانشگاه را بسازند کشور را تا آخر بیمه کرده‌اند.^{۱۵}

نگاه امام علیه السلام به اخلاق و تزکیهٔ اخلاقی در دانشگاه مهم و جالب توجه است. ایشان تصریح می‌کند معلمینی که در دانشگاه برای تعلیم و تربیت دانشجو فعالیت می‌کنند در کنارشان عالمی باشد که جوانها را تزکیه کند.^{۱۶} نقش و تأثیر انحراف دانشگاهیان در نگاه امام تأثیرگذارتر از دیگر اقشار جامعه است. مهمترین قشر در دانشگاه، اساتید دانشگاه هستند که انحراف آن‌ها، منجر به انحراف یک گروه شده تا جایی که این امر در نظر امام می‌تواند منجر به انحراف یک کشور شود.^{۱۷}

امام در سفارش‌های خود به اساتید و دانشگاهیان توصیه می‌کند مراقب این باشند شرایط کشور به اوضاع سابق در عصر پهلوی باز نگردد و سعی کنند که دانشگاه را متحول کنند.^{۱۸} اساتید، راه و رسم استقلال علمی را زنده نگاه دارند.^{۱۹} رهبر کبیر انقلاب تأکید می‌کند مسافرت و تعامل

هایلایت سبز رنگ به معنای محتوای آنلاین است. کلیک یا لمس کنید

نظام اسلامی ایران است. اساتید دانشگاه در عمق‌بخشی و پرورش فکری و فرهنگی دانشجو در این مسیر وظیفه‌ای سنگین دارند. اما استادی که می‌خواهد فضای انقلابی و اسلامی دانشگاه را تغییر دهد، و با رفتار خود، دانشجویان مذهبی و انقلابی را مورد بدرقتاری قرار می‌دهد، در نگاه رهبری، مجاز به حضور در دانشگاه نیست. در نگاه ایشان اصلاح دانشگاه منوط به تربیت نیروی انسانی کارآمد است؛ نیرویی مؤمن، با وجدان، معتقد به کار و دلسوز. و نقش استاد در پرورش چنین نسل مهمی بی‌بدیل است.^{۲۶}

در اندیشهٔ مقام معظم رهبری اثربخشی استاد در تربیت دینی و فرهنگی دانشجو عمیق‌تر از عوامل دیگر است. یکی از جنبه‌های تأثیر استاد در شاگردان خود، تقویت تعصب ملی است. نگاه رهبری این است که نه تنها تعصب در این مورد ناپسند نیست، بلکه لازم است. پایبندی عمیق به باورها و ارزش‌ها بسیار اهمیت داشته و تضمین‌کنندهٔ سعادت و صلاح و رستگاری است.^{۲۷} **تربیت دانشجو بر اساس فرهنگی دینی و توجه دادن او به مقدسات و ایمان به غیب از راهکارهای مهم رهبری در پرورش فرهنگی نسل جوان است.** نقش استاد در تحقق این امر پررنگ است. بی‌توجهی به معنویات و ماوراء و نیز ایمان به غیب، در عمل نتیجه‌ای که امروز شاهد آن هستیم را به دنبال خواهد داشت. اینکه امروز علم با همهٔ شرافت و ارزش خود در دست جهان‌خواران افتاده که هیچ حقی برای انسان‌ها، ملت‌ها و ارزش‌ها قائل نیستند.^{۲۸}



تصویر از خاتمه‌ای دات‌ای آر (دیدار رهبر انقلاب با دانشجویان استان فارس، ۸۷/۲/۱۴)

اهمیت خودسازی دانشجو و دانشگاهی

در کنار پرداختن به مسائل علمی، با «توجه به خدا» و «معنویت» در کنار «توسل» می‌توان به خیلی از کارهای دشوار دست زد. به باور رهبری، به‌ویژه قشر جوان که دلی پاک، نورانی و بی‌آلایش دارد و به امر دنیایی آلوده نشده، در این مسئله آمادگی فراوانی دارد.توصیهٔ ایشان توجه به نماز، نافله، تلاوت قرآن، دعا خصوصاً صحیفهٔ سجادیه است. ایشان معتقد است با این کار، بنیهٔ دینی و انقلابی جوان دانشجو محکم می‌شود. با این کار، تلاش مغرضان که هدفشان دور کردن جوان‌ها از معنویت است به سرانجام نمی‌رسد.^{۲۹}

در اندیشهٔ رهبری -در کنار توجه به معنویت- حفظ همبستگی و اتحاد میان اقشار گوناگون ملت، به‌ویژه قشر دانشجو، جایگاه مهمی دارد: نگذارید اختلاف سلیقه‌ها شما را در مقابل هم، سینه به سینه قرار بدهد. یک‌وقتی بعضی‌ها منافعشان ایجاب می‌کرد که دانشگاه‌ها را عرصهٔ بازی‌های سیاسی و درگیری‌ها و دست‌به‌گریبان شدن‌های سیاسی قرار بدهند.»^{۳۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱- (۱۲/ ۰۳/ ۱۳۷۸) پیام به گردهمایی ویژهٔ دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی	۵- همان، ج۸، ص۲۱۹.	۲۴- (۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲) بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی	۱۵- همان، ج۶، ص۵۰۹.
۲- (۱۲/ ۰۳/ ۱۳۷۸) پیام به گردهمایی ویژهٔ دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی	۶- همان، ج۱۴، ص۳۶۰.	۲۵- (۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲) بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی	۱۶- همان، ج۱۲، ص۴۶۹.
۳- (۱۶/ ۱۱/ ۱۳۸۱) پاسخ به نامه جمعی از دانش آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه	۷- همان، ج۱۱، ص۲۲۸.	۲۶- (۱۳/ ۰۶/ ۱۳۷۰) سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه‌ی مدارس شاهد به همراه مسئولان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان استانهای تهران و مازندران، مردم و مسئولان شهرهای نور و محمودآباد، و اساتید بهشتی	۱۷- همان، ج۷، ص۴۶۸.
۴- صحیفهٔ نور، ج۵، ص۴۰۸.	۸- همان، ج۱۹، ص۱۸۹.	۲۷- (۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۷) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز	۱۸- همان، ج۱۹، ص۳۵۳.
	۹- همان، ج۱۴، ص۲۸.	۲۸- (۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲) بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی	۱۹- همان، ج۲۱، ص۹۶.
	۱۰- همان، ج۱۵، ص۴۱۴-۴۱۵.	۲۹- (۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۷) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز	۲۰- همان، ج۲۱، ص۹۶.
	۱۱- همان، ج۱۲، ص۳۴۱.	۳۰- (۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۷) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز	۲۱- همان، ج۸، ص۳۳۸-۳۳۹.
	۱۲- همان، ج۱۵، ص۴۲۹-۴۳۰.		۲۲- همان، ج۱۲، ص۲۲۲.
	۱۳- همان، ج۱۸، ص۱۶۶.		۲۳- (۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲) بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی
	۱۴- همان، ج۲۰، ص۹۳.		

اشعرا کرونا را شکست خواهم داد!

اکاظم حکمت، پزشکی ۹۴ |

غالبانیم! ماسک سیخی چند؟!
کرونا را کشیده‌ایم به بند
بر درختان جاده دربند
... با همین ادعای عالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

گاه با دستکاری آمار
گاه با حذف بخشی از اخبار
گاه با وعده یا چماق و شعار
با هر اقدام احتمالی هم!
کرونا را شکست خواهم داد

گاه با زار و بیشتر با زور
گاه شلیک موشکی از دور
جان دکتر فقط به یک دستور!
شده با حمله‌ای مثالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

گاه هم با رعایت بهداشت
(البته ... البته اگر جا داشت)
فرط تحریم‌ها اگر که گذاشت
با همین دست‌های خالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

در صف تایید و دستمال و بلال
در ترافیک جاده‌های شمال
جمله کوتاه! با همین منوال!
با همین قدر بی‌خیالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

گاه با مهر و گاه با کینه
گاه با سستی و طمأنینه
گاه با ظاهر قرنطینه
(با قرنطینه خیالی هم
کرونا را شکست خواهم داد)

گاه با جوش آب شور پنیر
گاه با روغن بنفشه و سیر
گاه با تیر و گاه با شمشیر
شده با حبس و گوشمالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

گاه با ربع و وحشت و تهدید
گاه با فاز همدلی و امید
گاه با قفل و گاه شاه کلید
وسط سیل و خشکسالی هم
کرونا را شکست خواهم داد

با دلار چهل هزار تومان
مانده یک دست کاپشن و تمیان
سر سطل زباله سرگردان
... با همین مشکلات مالی هم
کرونا را شکست خواهم داد



کانت

احکایت | نقد

علم بهتر است یا پادشاهی؟!

فاطمه سعیدی‌زاده، پزشکی ۹۶ |



دو امیرزاده در مصر بودند. یکی علم آموخت و دیگر مال اندوخت. عاقبة الامر آن یکی علامه عصر گشت و این یکی عزیز مصر شد.

پس این توانگر به چشم حقارت در فقیه نظر کردی و گفتی: من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت [فقیری] بمانده است.

گفت: ای برادر! شکر نعمت باری، عزّ اسمه، [شکر نعمت خداوند که نام او گرمی باد] همچنان افزون‌تر است بر من که میراث پیغمبران یافتن یعنی علم و تو را میراث فرعون و هامان رسید یعنی ملک مصر. [در حدیث نبوی (ص) آمده: العلماء وراث الانبیاء]

**من آن مورم که در پایتم بمانند
نه زنبورم که از دستم بنالند
کجا خود شکر این نعمت گزارم
که زور مردم‌آزاری ندارم؟**

[من همانند آن مورچه بی‌آزاری هستم که همه‌کس پای بر من نهاده؛ نه زنبوری که همگان از درد نیشم در عذاب افتند / چگونه می‌توانم شکر این نعمت را به درگاه خداوند بجای آورم، که مرا توانایی ظلم کردن، روا نداشته است.]

نقد این حکایت توسط شهید مطهری (با کمی تلخیص):

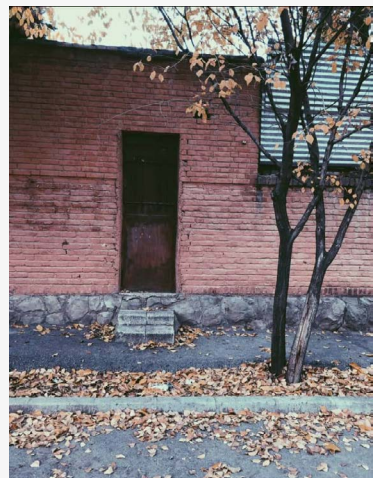
علی رغم اینکه سعدی نصاب سودمندی دارد که از متن اسلام گرفته شده است ولی گاه تعابیر ناصحیح هم دارد؛ مثلاً در شعری می‌گوید «من آن مورم که در پایم بمانند نه زنبورم که از نیشم بنالند»: من افتخار می‌کنم که یک مورچه‌ام که زیر دست و پاها پامال می‌شوم؛ زنبور نیستم که مردم از نیش من ناله کنند! این درست نیست. زبان حال یک مسلمان این باید باشد: نه آن مورم که در پایم بمانند؛ نه زنبورم که از نیشم بنالند. مگر امر دائر است که انسان یا مور باشد و یا زنبور؟! نه مور باش و نه زنبور.

بعد می‌گوید: «چگونه شکر این نعمت گزارم که زور مردم‌آزاری ندارم: من خدا را شکر می‌کنم که زور ندارم کسی را بی‌آزارم!» خب زور نداری بی‌آزاری که هنری نیست! هنر این است که زور داشته باشی و نیازآزی. زبان حال یک مسلمان این باید باشد: چگونه شکر این نعمت گزارم که دارم زور و آزاری ندارم.

منابع: کتاب گلستان سعدی انتشارات ارمغان طوبی با تحقیق و ویرایش علی حاجی تقی (بر اساس نسخه محمدعلی فروغی) **وبلاگ درخت دانش مرکز اطلاع‌رسانی غدیر** **وبلاگ مهارت‌های نوشتاری**

اشعرا | محدثه زینل‌نیا، بهداشت ۹۶ |

چشم‌هایش



ای کاش در پایان قصه غم نباشد
پشت نگاه هیچکس، مائیم نباشد

دنیای ما چیزی به جز آوارگی نیست
ای کاش ویران‌تر ز ارگ بَم نباشد

چشمان تو کافیسست تا شاعر بفهمد
شعر و غزل هم، مرهم قَلَبم نباشد

یک لحظه با ما، یک نظر با دیگرانی
مفهوم من در این غزل، مبهم نباشد

بعد از تو گم کردم مسیر خانه‌ام را
آدم که بعد از دیدنت، آدم نباشد

درد عجیبی دارد این احساس بودن
وقتی که بغض هر شب هم، کم نباشد...

ا کارشناس‌نامه |

نقطه تعادل؛
بنفش منهای آبی!

به نام خالق هیپوتالاموس

مثل همیشه محمد محمدی رابع هستم، پژوهشگر و کارشناس کل مسائل و با یک کارشناس‌نامه دیگر در خدمت شما.

اگر در دروس فیزیولوژی، شیمی و بیوشیمی و... به‌خوبی تدبیر و تأمل کرده باشید، مفهوم «به تعادل رساندن» و اهمیت آن را به‌خوبی می‌دانید؛ خون اگر مقداری اسیدی شود، بدن عملکرد خود را به سمت دفع بیشتر پروتون (دارای خاصیت اسیدی) یا بازجذب بیشتر بی‌کربنات (دارای خاصیت قلیایی) پیش می‌برد؛ اگر هوا گرم شود، لباس کمتری می‌پوشیم و بالعکس.

خلاصه آنکه یک سیستم، نقطه تعادلی برای خود مشخص می‌کند و مجموعه را به سمت رسیدن به آن نقطه سوق می‌دهد.

مدیران توانمند و درس‌خوانده یک کشور درحال‌توسعه، از آنجا که با این مفهوم به خوبی آشناوند و اتفاقاً به اعتدال و تعادل ارادت خاصی دارند، در مدیریت بحران کرونا، به این مفهوم جامعه عمل پوشانده‌اند؛ ایشان به افتخار تیم دوم آسیا و رنگ سوم پرچم ما، نقطه تعادل را قرمز تعیین فرموده و سیستم را برای رسیدن به این نقطه تعادل تنظیم می‌کنند؛ (واقعاً به به)

چنان‌که هنگام رسیدن به وضعیت قرمز به دانشجویان و دیگر مردم استراحت داده و به محض تغییر نقطه تعادل به نارنجی یا زرد، ناگهان و سراسیمه تمام آنچه را که به ما در رسیدن به نقطه اعتدال یاری می‌رسانند، به‌کار می‌گیرند تا چرخ این چرخه در آن نقطه خوش‌رنگ و افتخارآفرین و از همه مهم‌تر در نقطه «اعتدال» بچرخد.

البته دوستان از اتاق فرمان اشاره می‌کنند که اگر این وسط‌مسطها، جریمه‌ای چیزی در قبال تغییر رنگ به زرد و این چیزها به کمک اقتصاد بشتابد، حالا می‌شود یک کارش کرد؛ از رنگ افتخارآمیز قرمز و اعتدال می‌توان یک‌جورهایی گذشت و محدودیت‌ها را لغو نکرد؛ سپاهان هم تیم خوبی‌ست خلاصه.

راستی نام آن کشور ایر... آآخ نه‌هه، ایرلند است؛ ما اجر مدیران توانمند مدافع سلامت را ضایع نمی‌کنیم.

محمد محمدی رابع |

پژوهشگر و کارشناس کل مسائل |

فند

| مثل آباد |

| امیرحسین حسینی، پزشکی ۹۶ |

نرود میخ آهنین در سنگ!



و دلی از عزا درمی‌آوردم. کماکان دنیای سنگی کوچک من بزرگ‌تر می‌شد. هوس داشتن قلب و مغز سنگی در سر داشتم؛ دلی که ذره‌ای نامهربانی به آن وارد نشود و مغزی که به افکار منفی نفوذناپذیر باشد و چشم و گوش که بدی نبیند و نشنود.

مادرم می‌گوید قلب فلانی از سنگ است و بویی از مهر و محبت نبرده. معلم، روزی که درس نخوانده بودم گفت: «پسر جان، کله تو که پر از سنگ نیست! با دقت بخوانی، قطعاً یاد می‌گیری.»

آن‌ها راست می‌گویند. اعضای بدن ما آدم‌ها تراوایی انتخابی ندارد. در دست و پای سنگی میخی فرو نمی‌رود؛ اما از لمس لطافت گلبرگ‌ها محروم‌اند.

درست است که بدی و نادرستی وارد چشم و گوش و قلب و مغز سنگی نمی‌شود اما چه می‌توان کرد که ماهیت سنگ همین است، بسته و محصور از هر سمت‌وسو.



خوبی‌ها و زیبایی‌ها هم جایی در این اندام خیالی ندارند. خون در سنگ جریان ندارد.

سرما و گرما در آن ماندگار نیست و عشقی را در خود نگاه نمی‌دارد.

روزهای زیادی از آن زمان می‌گذرد اما من به مرور آموختم که همین بدن گلی خودم را دوست بدارم. از خیر گردو شکستن با دست خالی و راه رفتن روی فرش میخ‌ها گذشتم؛ اما در عوض چیزهای بسیار مهم‌تری را به‌دست آوردم؛ یاد گرفتم همه‌چیز را با هم ببینم و بشنوم و تجربه کنم و بهترین‌شان را در وجود نگه دارم.

زندگی در سنگ جریان ندارد.

سمانه دهقان

کمیک استریپ

این داستان:

من سیامک انصاری هستم

معرفی نشریه کاری نو



سلام، من سیامک انصاری هستم، حالا اینجا چیکار میکنم؟ کسی میدونه من اینجا چیکار میکنم؟

اومدی تبلیغات کنی!!!



آهان بله، می خوام نشریه کاری نو رو بهتون معرفی کنم، مخصوصا به ورودی های گل ۹۹.

آقا داری اشتباه میگی، سایتو تبلیغ کن.



آهان بله، این نشریه یه روزی میشه همه ی زندگیتون.

آقا اسم سایت رو بگووووو!!!!



نشریه کاری نو تشکیل شده از بخش های فرهنگی، ادبی، سیاسی، طنز، سوزها و.... خلاصه اینکه بی نظیره.

برو بیروووون!!!!



باشه، فقط یه زحمت بکشید برای شرکت توی شماره های بعدی نشریه به صفحه اینستاگرام @kafa_fums یا شماره ۰۹۳۷۹۳۳۵۶۱۶ پیام بدین

کجا باید برم... که تو هر ثانیه ام... تو روانجا نییییییییی